

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی

عنوان پایان نامه
خاتمیت از دیدگاه متفکران اسلامی
(مهندس بازرگان، دکتر سروش، دکتر شریعتی و استاد مطهری)

استاد راهنما:

دکتر قاسم پورحسن

استاد مشاور:

دکتر علی اکبر احمدی افرمجان

نگارش:

علی محمد قهرمانی

رساله برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته: فلسفه و کلام اسلامی

شهریور ۱۳۸۶

۱۰۱۲۹۰

مهر اطلاعات کتابخانه‌ای
کتابخانه مرکزی
شماره ثبت کتاب: ۱۳۸۶/۱۰/۱۰۱۲۹۰

۱۳۸۶/۱۰/۱۰۱۲۹۰

فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه
کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان: خاتمیت از دیدگاه متفکران اسلامی (بازرگان، سروش، شریعتی، مطهری)	
نویسنده / محقق: علی محمد قهرمانی	
مترجم: _____	
استاد راهنما: دکتر قاسم پورحسن	استاد مشاور: دکتر علی اکبر احمدی افرمجانی
استادان داور: دکتر عبدالله نصری	
کتابنامه: دارد	واژه نامه: ندارد
نوع پایان نامه: بنیادی <input checked="" type="checkbox"/> توسعه ای <input type="checkbox"/> کاربردی <input type="checkbox"/>	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	سال تحصیلی: ۱۳۸۶
محل تحصیل: تهران	نام دانشگاه: علامه طباطبائی
دانشکده: ادبیات و زبانهای خارجی	
تعداد صفحات: ۱۶۱	گروه آموزشی: فلسفه
کلید واژه ها به زبان فارسی: نبوت، خاتمیت، شریعت، وحی و الهام، تجربه دینی، تجربه نبوی، قبض و بسط، معرفت دینی، برون دینی و درون دینی، عقل و تکامل	
کلید واژه ها به زبان انگلیسی:	
End of prophethood, Prophethood, elevation and intuition, religion, prophetic experience, religious experience, intellect and evolution, religious knowledge, reduction and expansion, extra religious and intra religious	

الف. موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف): بحث خاتمیت بعنوان یکی از ضروریات دین اسلام مطرح است که از همان آغاز دین اسلام مدعای ختم نبوت و شریعت الهی مطرح شده و بعنوان یکی از اعتقادات ضروری مسلمانان در نظر گرفته شده است اما این بحث در اندیشه پیشینیان کمتر مورد توجه واقع شده و تنها در کنار بحث از نبوت اشاره مختصری بدان شده است اما از زمان اقبال به بعد این مسئله با چالشهای مختلف اندیشمندان دینی ما مواجه شده است که سعی مادر این رساله بر آن است تا رویکردهای مختلف به مسئله از زمان اقبال به بعد را بررسی کنیم.

ب. مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری و پرسشها و فرضیهها: منابع اصلی تحقیق آثار منتشر از چهار متفکر معاصر یعنی بازرگان، سروش، شریعتی و مطهری است

فرضیهها: الف) پیوند نزدیک وحی و نبوت باعث شده تا نوع رویکرد اندیشمندان دینی در نتیجه گیری آنها از بحث خاتمیت مؤثر باشد. ب) مبانی برون دینی و عقلی ارائه شده در اثبات خاتمیت بیشتر بیانگر معقول سازی مسئله است تا اثبات عقلانی آن پرسشها: ۱- آیا مبانی عقلی قادر به اثبات خاتمیت می باشد

۲- نوع رویکرد اندیشمندان ما در مسئله خاتمیت برون دینی است یا درون دینی

۳- آیا با اعلام ختم نبوت باب الهام و تعالیم و حیانی هر دوبا هم بسته شد؟

پ. روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق، نمونه گیری و روشهای نمونه گیری، ابزار اندازه گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل دادهها: روش تطبیقی و بر اساس فیش برداری از کتب مربوط به اندیشمندان دینی معاصر و بررسی میزان تاثیر هر یک بر دیگری است

منظور از عقل در این رساله عقل فلسفی است - درون دینی: منظور مبانی است که از منقولات شرعی استفاده کرده‌اند - برون دینی: منظور مبانی صرفاً عقلی است.

ت. یافته‌های تحقیق: ۱ خاتمیت یک اعتقاد درون دینی است تا برون دینی ۲ در تقسیم دو گانه علم کلام بر عقلی و نقلی خاتمیت در زمره کلام نقلی واقع می‌شود ۳ برای اثبات خاتمیت به چیزی مازاد بر عقل نیازمندیم و آن منقولات شرعی است

ث. نتیجه‌گیری و پیشنهادات: از آنجا که طرح بحث‌های چون خاتمیت از سوی متفکران دینی همواره چالش‌های به سبب ابهام در رویکردهای درون دینی و برون دینی آنها داشته است لذا به نظر می‌رسد که اگر این اندیشمندان قدری در اندیشه‌های خود تأمل کرده و مبانی خود را روشن‌تر بیان کنند هم حق مطلب ادا می‌شود و هم افکار عمومی با تضاد فکری مواجه نمی‌شود.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان‌نامه و ضوابط

مندرج در فرم را گواهی می‌نمایم.

رئیس کتابخانه:

نام استاد راهنما:

سمت علمی:

نام دانشکده:

دانشگاه

تقدیم به پدرم؛

اسوه پایمردی و خاکساری، اولین معلم زندگیم که الفبای آزادگی و اندیشه را به من آموخت.

به برادرم محمد؛

که در کلاس اخلاق و معرفتش شاگرد ناچیزی بیش نیستم، به او که با هر تبسم و نگاهش دریچه‌ای از موفقیت به رویم می‌گشاید.
وجود مبارک ایندو عزیز همواره مایه مباهات و سرافرازی این کمترین است.
وجودشان مستدام و زندگیشان قرین توفیق باد.

چکیده

بحث خاتمیت یکی از مؤلفه های اعتقادی مسلمانان است که از حیث اهمیت، رتبه ای همردیف بدیهیات در دین اسلام به خود اختصاص داده است و مسلمانان اعم از شیعه و سنی بر این باورند که دینشان، اسلام، آخرین دین و پیامبرشان، حضرت محمد (ص)، آخرین پیامبر الهی است. اما به رغم این اتفاق نظر مسلمانان نخستین و التزام آنان به خاتمیت پیامبر اسلام (ص) این مسئله همواره با تشکیکها و شبهاتی روبرو بوده است. اما یکی از مهمترین نظریاتی که با ظهور خود مسئله خاتمیت را بعنوان یکی از محوریت‌ترین مباحث چالش برانگیز متفکران دینی اسلام در دنیای معاصر مبدل کرد نظریه اقبال لاهوری و رویکرد متفاوت و نوین ایشان به مسئله خاتمیت است که به دنبال ارائه این نظر، اندیشمندانی پیداشدند که در مقام نقیذ اثبات این دیدگاه اقبال برآمده و مسئله خاتمیت را تا به امروز با تشکیکهای مستحصری مواجه کرده اند. از آن جمله میتوان متفکرینی چون مطهری، سروش، شریعتی، و بازارگان زانام برد که در این رساله سعی شده است تا با محور قرار دادن دیدگاههای این اندیشمندان و با رویکردی برون دینی و بدور از تعصبات دینی به بررسی مسئله پرداخته شود که اصولاً با توجه به نظریات اندیشمندان روشنفکر و سستگرای اسلامی بحث خاتمیت در زمره کدام یک از مؤلفه های درون دینی یا برون دینی موجود واقع می شود و نیز از جمله مواردی که در این مجال از دیدگاه این اندیشمندان مورد بررسی واقع شده است می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- بررسی نقش عقل در اثبات یا رد مسئله خاتمیت پیامبر اسلام (ص).

- بررسی مسئله وحی و امکان بسط یا انقطاع آن بعد از پیامبر اکرم (ص).

- بررسی جایگاه نیازهای نامحدود و نوین بشری در شریعت اسلامی بعنوان دین خاتم و راهکار ارائه شده در این شریعت برای ارتفاع این حوائج.

نگارنده در این نوشتار کوشیده است تا با نقد و تحلیل این دیدگاهها نقاط مثبت و منفی آنها را هویدا کرده و با ذکر دیدگاه اندیشمندان دیگری از پژوهشگران حوزه دین، راجع به بحث خاتمیت این موضوع را به گونه ای دقیق تر تفهیم و بررسی نماید و در پایان این نوشتار اثبات خواهد شد که مسئله خاتمیت موضوعیست درون دینی و اثبات آن جزء با استمداد از متون دینی میسر نخواهد بود. و نیز با ذکر و نقد ادله برخی از اندیشمندان که داعیه ارائه ادله عقلی بر موضوع خاتمیت را دارند این نتیجه را بدست می دهد که ادله ارائه شده توسط این اندیشمندان بیشتر به معقول سازی مسئله شبیه است تا ارائه دلایل قاطع

عقلی. چراکه موازین عقلی نه تنها اثبات خاتمیت نبوت و انقطاع وحی نمی کنند بلکه بر اثبات وجود چنین امری نیز صیحه می گذارند. بنابراین راز خاتمیت شریعت اسلام را بایستی در چیز دیگری مازاد بر دلایل عقلی جست و آن مقولات شرعیست. که در این راستا تلاش شده است تا با توجه به تقسیمات دوگانه ادله علم کلام توسط صاحب نظران این علم به کلام عقلی و کلام نقلی، خاتمیت را در زمره کلام نقلی جای دهد.

کلیدواژه ها

نبوت، خاتمیت، شریعت، وحی و الهام، تجربه دینی، تجربه نبوی، قبض و بسط، معرفت دینی، برون دینی و درون دینی، عقل و تکامل

پیش گفتار

یکی از ضروریات دین اسلام اعتقاد به خاتمیت پیامبر (ص) و عدم نسخ شریعت اسلام توسط پیامبری جدید بعد از پیامبر اکرم (ص) می باشد. و مسلمانان از همان آغاز بعثت پیامبر اسلام (ص) و بخصوص به هنگام نزول آیه خاتمیت «ماکان محمد ابا احد من رجالکم ولكن رسول الله وخاتم النبیین» (سوره احزاب/ ۴۰) - براین باورند که دینشان، اسلام، آخرین دین آسمانی و پیامبرشان، محمد (ص)، آخرین پیامبر از سلسله پرفراز و نشیب انبیاست و بعد از ایشان نه تشریح تعالیم دینی جدید ضروری می نماید و نه بعثت پیامبری جدید برای جوامع بشری لازم است و دیگر عالم ربوبی هیچ یک از افراد بشر را بعنوان نبی و رساننده تعالیم و حیانی به خلق، نخواهد پذیرفت و دست بشر از این عالم متعالی کوتاه خواهد شد. ولی اینجا این سؤال مطرح می شود که آیا این مسئله به گونه ای دست نخورده و سینه به سینه از زمان پیامبر اسلام (ص) بدین سو انتقال یافته تا به زمان ما رسیده است یا نه این مسئله نیز به مانند هر مسئله دیگری از تعالیم دینی، در گذر زمان اسیر کشمکش ها و تشتت آرا مختلف شده است؟

پاسخ به این سؤال ما را بر آن داشت تا با تورق تاریخ اندیشه های دینی این مسئله را مورد بررسی قرار دهیم. اما آنچه به نظرمی رسد اینست که بحث خاتمیت تا قبل از طرح نظریه علامه اقبال لاهوری به گونه ای مسکوت و بدو از مجادلات کلامی، مقبول عامه مسلمین واقع شده بود و کمتر کسی در این مورد به بحثهای مفصل عقلی و کلامی دست زده است. اما با ظهور اندیشه و رویکرد مرحوم اقبال لاهوری به مسئله خاتمیت این مسئله نیز وارد چالشهای جدیدی شد به گونه ای که بعد از خود ایشان و حتی تا زمان حاضر افراد بسیاری پیرامون بحث خاتمیت و اثبات یار د نظریه اقبال نظریه پردازی کرده اند. و همواره بوده اند کسانی که با رویکردهای مختلف درون دینی و برون دینی خود چراغ مکاشفه در این مسئله را روشن نگه داشته اند به گونه ای که عده ای تنها با تمسک به مبانی درون دینی و منقولات شرعی متواتر در صدد اثبات مسئله بوده و عده ای نیز با استناد به مبانی برون دینی و قوانین عقلی در صدد توجیه مسئله و تطبیق عقل با نقل برآمده اند و باتئوریهای خود مسئله خاتمیت را بعنوان یکی از مهمترین موضوعات کاوشهای علمی قرارداد داده اند طوری که شمارش و تشریح نظریات همه این افراد کاری بس دشوار و متضمن کاوشهای طولانی می باشد. اما آنچه ما در این رساله مدنظر قرار داده ایم پژوهش مسئله به گونه ای دقیق و جامع

از دیدگاه کسانی است که سهم بیشتری در طرح و بسط مسئله در تاریخ اندیشه دینی معاصر ما داشته اند تانه بحث عمده ای از مسائل پیرامون موضوع خاتمیت از قلم بیفتدونه به اصل مسئله خدشه ای وارد نشود. بنابراین ما با انتخاب چهار نفر از متفکرین بزرگ معاصر به نامهای، مهندس بازرگان، دکتر سروش، دکتر شریعتی و استاد مطهری، به بحث و تفحص در اندیشه های آنان پرداخته ایم. البته لازم به ذکر است که در رساله حاضر سعی شده است که در کنار نظریات این چهار متفکر نظریات اندیشمندان دیگری از صاحب نظران حوزه دین پژوهی نیز ذکر شود تا در فهم بهتر مسئله یاریمان دهد.

فصل اول کلیات

پیش نیازهای پژوهش

۲

طرح موضوع

۳

ضرورت پژوهش

۵

فرضیه های پژوهش

۵

پرسشهای پژوهش

۶

پیشینه تحقیق

۱۲

روش تحقیق

۱۲

موانع تحقیق

فصل دوم: بررسی مفهومی و پیشینه خاتمیت

۱۴

مقدمه

۱۴

بررسیهای مفهومی

۱۷

خاستگاه اولیه بحث خاتمیت

۲۱

اقبال لاهوری طرح ریزی نو در خاتمیت

۲۴

تقریر مطهری از نظریه اقبال

فصل سوم: مباحث کلامی خاتمیت از نظر روشنفکران و ستغرایان اسلامی

۳۲

مقدمه

۳۲

فرق نبی و رسول

۳۹

نبوت تبلیغی و تشریحی

۴۰

ختم نبوت تبلیغی

۴۲

دین واحد یا ادیان متعدد

۴۶

جهانشمولی شریعت اسلامی و چگونگی احراز رسالت به پیامبر اسلام (ص).....

۴۶

خصوصیات پیامبر خاتم (دکتر سروش)

۵۰

قبض و بسط معرفت دینی

۵۲

مبانی عصری سازی معرفت دینی

۵۶

خاتمیت تمایز مسلم پیامبر اسلام (ص) از سایر انبیاء

فصل چهارم: عقل و خاتمیت از دیدگاه روشنفکران و ستغرایان اسلامی

۶۰

مقدمه

۶۰

راههای اثبات نبوت

۶۳	علل تجدید نبوتها
۶۶	علل تعدد انبیاء از دیدگاه مهندس بازرگان
۶۸	علل تجدید نبوتها از دیدگاه شهید مطهری
۷۱	راز ختم نبوت
۷۳	جهانی و جاودانی بودن دین اسلام
۷۶	جبر تاریخ و مسئله خاتمیت
۸۲	نقد دکترسروش بر دیدگاه شهید مطهری
۸۳	مدعای سروش در عقلی بودن یا نبودن خاتمیت
۸۷	تبیین جامعه شناختی شریعتی از خاتمیت
	فصل پنجم: خاتمیت، پایان یا استمرار وحی از دیدگاه متفکران دینی جهان اسلام
۹۲	مقدمه
۹۲	بررسی مفهومی وحی
۹۳	رویکرد خاص مطهری به تعریف وحی
۹۶	خاتمیت، پایان یا استمرار وحی
۱۰۳	مسئله انقطاع یا عدم انقطاع وحی از نظر شهید مطهری
۱۰۵	طرح نظریه بسط تجربه نبوی
۱۰۹	نظریه دکترشریعتی در مورد پایان یا استمرار وحی
۱۱۰	مسئله وحی از دیدگاه بازرگان
	فصل ششم: دین خاتم و ضرورت تفکیک دو حوزه دین و دنیا از نظر متفکران اسلامی
۱۱۶	مقدمه
۱۱۶	اسلام؛ دنیا و آخرت
۱۱۸	نظردین اسلام درباره دنیا و آخرت (استادمطهری)
۱۲۲	دین برای دنیا یا دنیا برای دین
۱۲۷	اسلام؛ آخرت گرایی یا دنیامداری از دیدگاه بازرگان
۱۳۶	دنیا و آخرت در اسلام از نظر شریعتی
۱۳۹	فصل هفتم: خاتمه و نتیجه گیری
۱۵۶	منابع و مأخذ .

فصل اول

کلیات

پیش نیازهای پژوهش

طرح موضوع

یکی از اصول اساسی جهانبینی اسلامی رابحث ختم نبوت و شریعت الهی تشکیل می دهدبه گونه ای که همه مذاهب اسلامی متفق القول براین باورند که سلسله انبیاء با پیامبر اسلام پایان پذیرفته و از آن پس دیگر نه پیامبری بسوی جوامع بشری فرستاده خواهد شد و نه شریعت جدیدی بعد از شریعت اسلام وجود خواهد یافت. آنان معتقدند که شریعت اسلام باعث استغنائی بشرا ز هر گونه شریعت جدید شده است. نتیجتاً چون دین و شریعت جدیدی وجود پیدا نخواهد کرد پیامبر جدیدی هم برای وضع شریعت تازه فرستاده نخواهد شد. حتی مسلمانان براین باورند که ظهور پیامبری که خود عامل به شریعت محمد (ص) باشد - یعنی پیامبر تبلیغی - نیز منتفی است و باب نبوت تشریحی و تبلیغی با هم بسته شده است. مسلمانان برای اثبات این امر مهم بیشتر به کتاب و سنت استناد می کنند که قرآن کریم بصورتی صریح و آشکار براین مسئله انگشت تائید گذاشته و با نزول آیه «وماکان محمد ابدا احد من رجالکم ولكن رسول الله وخاتم النبیین و...» (احزاب/ ۴۰) خاتمیت پیامبر اسلام را تصدیق کرده و ایشان را آخرین پیامبر الهی دانسته است و نیز عمده توجه مسلمین در بحث روایی قضیه نیز به حدیث منزلت است - اما ترضی آن تکون منی بمنزلته هارون من موسی إلا إنه لانیء بعدی - «آیا ترضی نیستی که نسبت به من همانند هارون نسبت به موسی باشی؟» (باین تفاوت) که بعد از من پیامبری نیست» مسلمانان این حدیث از پیامبر (ص) را که کمتر فریقین شیعه و سنی در استناد آن به ایشان شک دارند را دلیلی بر اثبات و تصدیق خاتمیت پیامبر اکرم (ص) و پایان یافتن دور پیامبریدانسته اند.

در واقع تلقی و فهم عموم مسلمانان از نبوت و شریعت این بوده است که بعد از پیامبر اسلام (ص) دیگر نظام اعتقادی جدیدی طرح ریزی نخواهد شد و بعد از شریعت اسلامی دیگر بشر به امید نزول وحی جدید نباید چشم به آسمان بدوزد. بلکه تازمانی که این جهان و حیات اجتماعی بشر در آن برقرار است بایستی در تمامی مسائل اعتقادی خود به نظام اعتقادی اسلام - که از نظر مسلمانان جامع ترین و کاملترین نظام اعتقادی موجود است - مراجعه کند و نظام اعتقادی و عملی خویش را مطابق شریعت اسلامی کرده تا قرین سعادت و کمال شود. چرا که از نظر مسلمانان تنها عقیده و عملی موجب سعادت و مقبول خداوند است که بر اساس شریعت اسلامی باشد. البته مسلمانان اینرا به معنای ارتفاع نیاز بشر به تعالیم و حیانی ندانسته و خاتمیت را به معنای عدم نیاز تجدید شریعت

خداوندی دانسته اند و معتقدند که نوع تشریح شریعت اسلامی به گونه ایست که پاسخگویی به تمام نیازهای وحیانی بشر را بر عهده گرفته و از این لحاظ دیگر نیازی به تجدیدنبوت و وحی جدید نیست، و گرنه بشر جدید نیز به مانند بشر قدیم برای نیل به سعادت دنیوی و اخروی نیازمند تعالیم وحیانیست. و رشد و تکامل بشر جدید در زمینه های علوم تجربی عقلی هیچگاه باعث بی نیازی او از تعالیم وحیانی نشده و این نیاز بشر تنها با التزام اعتقادی و عملی به شریعت اسلامی رفع می شود.

البته رویکرد دیگری نیز نسبت به بحث خاتمیت هست که در نقطه مقابل تلقی و فهم عموم مسلمانان از این مسئله بوده و آن نوع رویکرد روشنفکران و متجددان جامعه اسلامی است که آنها معتقدند که علت عدم تجدیدنبوت هاپس از پیامبر اسلام (ص) رسیدن بشر به حدی از تکامل علمی و عقلی است که عدم دستگیری از همین قدرت علمی و عقلی خویش توانسته راه درست را از نادرست تمیز داده و بدون تمسک به تعالیم وحیانی نیازهای خود را در زمینه های گوناگون فردی و اجتماعی برآورده کند. در واقع این طرز تلقی، علت ختم نبوت و نازل نشدن شریعت جدید پس از شریعت اسلام را همان رشد عقلی و علمی بشر در دوران خاتمیت می دانند چیز دیگر لازم به ذکر است که این نظریه ابتدا بصورتی مفصل در اندیشه مرحوم اقبال لاهوری طرح ریزی می شود و پس از آن است که بحث خاتمیت وارد چالشهای جدیدی شده و عده ای چون مرحوم مطهری در مقام رد و نقد این دیدگاه اقبال مطالبی را عنوان می کنند و عده ای نیز همچون دکتر سروش و دکتر شریعتی در صدد تصدیق و تائید آن بر می آیند و مسئله را با رویکردهای مختلفی مواجه می کنند. مانیز با توجه به اهمیت این مسئله سعی کرده ایم به بررسی این رویکردهای جدید و مسائل پیرامون آن نسبت به موضوع خاتمیت بپردازیم.

ضرورت پژوهش

از زمان آغازین ظهور دین مبین اسلام و ادعای آورنده این شریعت الهی - پیامبر اکرم (ص) - مبنی بر اینکه خودش آخرین پیامبرانی است که به نبوت مبعوث می شوند و دینش آخرین شریعتی است که از عالم ربوبی بر جوامع بشری فرو فرستاده می شود، بحثی در عالم اسلام شکل گرفت و بعنوان یکی از اعتقادات راسخ مسلمانان و اصول اساسی آنها مطرح شد و آن بحث خاتمیت بود و مسلمانان از آن به بعد دینشان را آخرین دین و پیامبرشان را پیامبر خاتم دانسته اند و استناد آنها در این مسئله خطیر به قرآن و روایات می باشد. طرح این بحث بدین صورت باعث شد تا یکی از مباحث عمده علم کلام را بحث

خاتمیت تشکیل دهد. لیکن آنچه پیداست این بحث مهم در اندیشه و تفکر متکلمین و فلاسفه نخستین اسلام به عنوان بحثی مستقل مطرح نبوده و کمترپرداشی در آن صورت گرفته است. اما از زمان آشنایی مسلمانان با علوم غربی و بخصوص آشنایی آنان با نوآوریهای علمی و فکری تمدن غرب و اصرار آنها بر تطبیق این علوم با سنت فکری رایج جهان اسلام باعث شد تا جنبه گیریهای در بسیاری از مبانی فکری مسلمانان نسبت به اینگونه تطبیقها صورت گرفته و این مبانی را وارد چالشهای جدی ای بین طرز تفکر تجددگرایانه و سنت گرا کنند و از آن جمله می توان به بحث خاتمیت اشاره کرد که با وجود آنکه مسلمانان خاتمیت را همردیف نبوت پیامبر اسلام (ص) پذیرفته و انکار آن را انکار نبوت پیامبر اسلام می دانستند و نزول وحی جدید را جایز نمی دانستند، به یکباره با این طرز فکر مواجه شدند که امکان ظهور وحی جدید غیر ممکن نیست و کسانی پیدا شدند تا از وحی تعبیر به غریزه یا تجربه نبوی کرده و امکان بسط این تجربه نبوی را مطرح کنند و حتی تجربه های عارفانه را همردیف تجربه های پیامبرانه و مکمل آنها دانسته اند. البته بایستی اضافه کرد که نوع تلقی آنها از مسئله وحی و نیز آشنایی این اندیشمندان با علوم و فنون غربی و تطبیق اینگونه علوم بفرهنگ دینی اسلام در نوع انتظار آنها از دین بی تأثیر نبوده است به گونه ای که از زمان طرح این مباحث از سوی علامه اقبال لاهوری و نقد نظریه ایشان توسط مرحوم مطهری، همواره بوده اند کسانی که در رد یا اثبات این نظریه اقبال به تئوری پردازی دست زده اند. طوریکه حتی یکی از مباحث عمده و چالش برانگیز کلامی در زمان ما را نیز همین بحث خاتمیت تشکیل می دهد و همواره دیده یا شنیده ایم که کسانی در مقام تصدیق یا تخریب اندیشه دیگری برآمده و جامعه را با تضادهای فکری خود مواجه کرده اند و اذهان عمومی جامعه را به سوهان زبر تضاد افکار خویش، زده و باعث تنشهای در جامعه فعلی ما شده اند. اما به نظر نگارنده و اکاوی هر مسئله ای از این دست برای روشننگری افکار عام و خاص جامعه یکی از ضروریات جهان کنونی ماست تا از خلط مفهومیها و نظریات مختلف و سوء استفاده های برخی، از این مسائل و تشویش افکار عمومی جامعه ممانعت شود. از جمله این مباحث نیز میتوان به بحث خاتمیت اشاره کرد که واکاوی و روشننگری در آن می تواند باعث روشن شدن حقیقت مطلب و رفع چالشهای موجود باشد. و سعی ما در این نوشتار برداشتن گامی هر چند کوچک در اعتلای این هدف متعالی است. امید است خداوند منان یاریمان دهد تا بدور از هرگونه تعصب کور و لغزش از جاده انصاف به بررسی نظریات

این متفکران - بازرگان، سروش، شریعتی و مطهری - پرداخته تا حدی نظریات اندیشمندانی که بیشترین سهم را در ارائه این مسئله داشته اند را به خوبی دریابیم.

فرضیه های پژوهش

۱- تقسیم دوران تکامل بشر به دو دوره قدیم و جدید و بخصوص تأکید بر تخصیص دوره پیامبری به دوران قدیم در اندیشه متفکرینی چون اقبال لاهوری، شریعتی و مطهری، آن هم بدین سبب که بشر دوران قدیم، دوران کودکی خود را پشت سر می گذاشت و عدم رشد علمی و عقلی او این اجازه را به او نمی داد تا در حفظ شریعت و کتب آسمانی خود کوشا باشد. بنابراین این نقیصه وجود مستمر انبیاء در میان جوامع بشری را ضرورت می بخشید. اما رفع این نقیصه در دوران جدید باعث ختم نبوت تشریحی و تبلیغی هر دو شده است.

۲- از آنجاکه وحی و نبوت پیوندی ناگسستنی باهم دارند نوع رویکرد اندیشمندان دینی به مسئله وحی باعث چالشهایی در بحث نبوت و خاتمیت و انقطاع یا عدم انقطاع وحی و الهام در دوران خاتمیت شده است که از آن جمله می توان به نوع نگرش اقبال لاهوری، دکتر سروش و تا حدودی دکتر شریعتی اشاره کرد که با توجه به آنکه آنها وحی را از نوع غریزه یا تجربه دینی و اتحادی می دانند نتایجی مغایر با آنچه سنت گراها و بخصوص مرحوم مطهری از مسئله استمرار یا پایان وحی گرفته اند، رسیده اند حتی دامنه این اختلاف نظرها به بحث الهام نیز کشیده شده است

۳- ارتباط مستقیم شریعت اسلامی با نیازهای نامحدود و نوین بشر و لزوم رفع این نیازها، باعث رویکردهای مختلف اندیشمندان دینی مراجع به تدارک برنامه دنیوی یا اخروی دین اسلام و نیز راهکارهای این شریعت الهی در جهت دستیابی بشر به سعادت لازم ایندو جهان شده است.

پرسشهای پژوهش

۱- آیا ادعای مسلمانان در مورد خاتمیت پیامبر اسلام (ص) شامل ختم رسالت و نبوت باهم است یا نه، برخلاف آنچه عموم مسلمانان می پندارند خاتمیت تنها شامل مقام نبوت می شود و مقام رسالت را در بر نمی گیرد؟ و اصولاً چه تفاوتی بین رسول و نبی وجود دارد که عده ای را بر آن داشته تا پیامبر اکرم (ص) را تنها خاتم النبیین دانسته و او را خاتم المرسلین ندانند؟

- ۲- خاتمیت پیامبر اسلام (ص) به کدام یک از شخصیت‌های حقیقی و حقوقی او می‌شود؟
- ۳- چه علل و عواملی پیش از ظهور دین اسلام باعث تجدید نبوت‌های شدت‌آوردن در زمان ظهور اسلام با ارتفاع آنها لزوم تجدید نبوتها متنی شود؟
- ۴- آیا طرح بحث خاتمیت نزد اندیشمندان روشنفکر و ستندگرای اسلامی صرفاً جنبه درون دینی دارد یا جنبه بیرون دینی آن نیز مورد توجه آنها واقع شده است؟
- ۵- آیا عقل بدون استمداد از منقولات شرعی قادر به اثبات مسئله خاتمیت می باشد؟
- ۶- چه تفاوتی بین تفاسیر ارائه شده توسط اندیشمندان روشنفکر و ستندگرای اسلامی راجع به مسئله وحی وجود دارد تا ستندگراها آن را بعد از پیامبر اکرم (ص) منقطع و روشنفکران راه را بر بسط آن در دوران خاتمیت باز بدانند؟
- ۷- چه تفاوتی بین وحی به غیر نبی و وحی به نبی وجود دارد تا اندیشمندان دینی ما، در دوران خاتمیت، یکی را جایز و دیگری را غیر ممکن بدانند؟
- ۸- با توجه به جهان دو گونه بشر و نیازها و کارکردهای متفاوت این دو جهان، شریعت اسلام - بعنوان شریعت خاتم - از نظر متفکران روشنفکر و ستندگرای اسلامی چه تدبیری برای این مسئله اندیشیده است؟
- ۹- وجوح تشابه و تمایز و نیز میزان تأثیر و تأثر اندیشه های متفکرینی چون اقبال لاهوری، مطهزی، سروش، شریعتی و بازارگان برهم در مسئله خاتمیت چگونه بوده است؟

پیشینه تحقیق

بحث خاتمیت بعنوان یکی از مباحث کلامی جهان اسلام جایگاه ویژه ای در میان سایر مسائل کلامی دارد. اما این مسئله هیچگاه در اندیشه پیشینیان بعنوان بحثی مستقل مطرح نبوده و معمولاً در کنار بحث از نبوت بدان اشاره ای مختصر داشته اند. اما از زمان رواج بحثهای تطبیقی در زمینه مباحث دینی و عقلی، این مسئله نیز بعنوان یکی از اعتقادات دینی در تطبیق بامبانی عقلی جایگاه ویژه ای یافت و همواره چالشهای بحث برانگیزی در این راستا دنبال داشته است.

علامه اقبال لاهوری از جمله پیشگامان اندیشمند معاصر است که با ارائه کتاب «احیای فکر دینی در اسلام» و طرح دیدگاهی جدید راجع به مسئله خاتمیت در آن اثر، باعث تحرک و بالندگی خاصی

در بحث خاتمیت بادیدگاههای مخالف و موافق اندیشمندان پس از خودتابه امروز شده. این اثر گرانبها شامل هفت سخنرانی است که مرحوم اقبال در دانشگاههای مختلف ایراد نموده اند که هر یک از این سخنرانیها یک فصل و مجموعاً هفت فصل کتاب را تشکیل می دهند.

در فصل اوّل تحت عنوان «معرفت و تجربه دینی» آغاز مباحث عقلانی را از زمان خود پیامبر (ص) میدان و ضمن آوردن آیاتی مبنی بر اینکه جهان به لهو و لعب آفریده نشده است در صدد اثبات این مسئله است که هم آنچه از تعالیم که به صورت وحی و الهام به بشر می رسد و هم آنچه از ادراکها که از طریق تعقل و آزمونهای تجربی علماء بدست می آید، در رسیدن بشر به کمال نهایی می تواند او را یاری دهد. اقبال معتقد است که هیچ یک از این ادراکات که از طریق عقل یا آزمایشهای علمی و تجربی بدست می آید مخالف قرآن نبوده و حتی قرآن آنها را معتبر دانسته است. ایشان بر این باورند که یافته های علمی و عقلی زمانی قرین توفیق و کمال حقیقی اند که همراه با عامل دیگری باشد که قرآن آنرا «قلب» یا «فؤاد» یعنی «دل» می نامد.

در فصل دوّم با عنوان «محک فلسفی تجلیات تجربه دینی» در صدد ارائه محکی فلسفی البته با تاسی بیشتری از دیدگاه فلاسفه غرب است تا فلاسفه اسلامی.

در فصل سوّم تحت عنوان «تصور خدا و معنی نیایش» با استناد به مفاهیم قرآنی که راجع به تصور خدا آمده است - مثل مفاهیم خلاقیت، علم و معرفت، قدرت مطلق و نور - توصیف خدا بعنوان نور را نزدیکترین و پسندیده ترین توصیف در مورد ذات اقدس الهی میداند.

در فصل چهارم «آزادی و جاودانی من بشری» با توضیح من بشری آنرا یک علیت شخصی آزادی داند. و معتقد است که به رغم تأکید وافر شریعت اسلامی بر آزادی خودی، باز هم نوعی قدریگری و اعتقاد به قضا و قدر در جامعه اسلامی رواج یافته است.

«روح فرهنگ و تمدن اسلامی» عنوان فصل پنجم است که در آنجا اقبال صراحتاً دو دوران را برای بشر مطرح می کند، دوران قدیم و دوران جدید، که در دوران قدیم حاکمیت از آن غرائز و در دوران جدید غلبه با «خرد استقرایی» است و ایشان معتقد است که پیامبر میان جهان قدیم و جدید ایستاده است. از حیث مبدأ و منبع، پیامش متعلق به دنیای قدیم و از حیث محتوا متعلق به دنیای جدید است. اینجاست که اقبال به طرح مسئله خاتمیت پرداخته که با ظهور عقل استقرایی دوران قدیم که دورانی پیامبر پرور بود پایان یافته و از این پس حاکمیت با عقل است و دوران، دوران عقلانیت است و دیگر هیچ فتوایی بالاتر از فتوای

عقل نیست. اقبال معتقد است دوران هدایت مستقیم و حیانی بسرآمده و آدمی می تواند باتکیه بر موارث پیشین راه درست از نادرست را از هم بازشناسد.

در فصل ششم تحت عنوان «اصل حرکت در اسلام» بامد نظر قراردادن بحث «اجتهاد» و نقش آن در نوسازی تعالیم دینی و انطباق آنها با شرایط جدید، از «اجتهاد» بعنوان موتور محرک اسلام یاد کرده است. در فصل آخر بعنوان «آیادین ممکن است» دین رانه اصول و عقایدی می داند که از طرف کلیسا بر مردم تحمیل شود و نه ابزاری در جهت کسب معاش کشیشان؛ بلکه آنرا وسیله ای می داند در جهت آمادگی بشر مدرن برای تحمل بار مسئولیتی که از پیشرفت علوم جدید حاصل می شود.

از جمله آثار مهم دیگری که بعد از طرح این مباحث توسط اقبال منتشر می شود، یکی مقاله ایست که تحت عنوان «محمد خاتم پیامبران» از مرحوم مطهری به سال ۱۳۴۷، که بعدها با عنوان «ختم نبوت» بصورت کتاب درآمده است. در این اثر مرحوم مطهری با آوردن آیه خاتمیت - ماکان محمد ابا احد من رجالکم ولكن رسول الله وخاتم النبیین... (احزاب/ ۴۰) در مقام توضیح مفهوم و معنای کلمه خاتم برمی آید و با استمداد از آیات قرآن دین را از آدم تا خاتم یکی و آنرا امری فطری و مربوط به سرشت آدمی دانسته است و حتی پایه اندیشه خاتمیت را ایندو اصل می داند؛ اولاً، مایه دین در سرشت آدمی است و چون بشر دارای سرشت واحد است پس دین او نیز واحد است.

ثانیاً، یک طرح به شرط فطری بودن و مصونیت از تحریف و تبدیل می تواند برای همیشه راهنمای بشر باشد. سپس ایشان با تقسیم پیامبران به پیامبران تشریحی و تبلیغی در صدد توضیح ختم نبوت تبلیغی برآمده و سخنان اقبال را در این راستا «سخنان لطیف» می خواند.

در ادامه بحث از جاوید بودن شریعت اسلام و لزوم پاسخگویی آن به مسائل جدید مرحوم مطهری رابه طرح مباحثی همچون، جبر تاریخ و تقسیم نیازهای بشر به نیازهای ثابت و متغیر و تأثیر مقتضیات زمان بر این نیازها و در نهایت تحرک و انعطاف موجود در تعالیم اسلامی و لزوم اجتهاد متغیرات از اصول ثابتة اسلامی می کشاند.

«خاتمیت» عنوان کتاب دیگریست از این متفکر شهید - این اثر نیز به مانند اکثر آثار بجای مانده از ایشان در برگیرنده پاره ای سخنرانیهای زمان حیات ایشان است - در اوّلین سخنرانی، با تمسک به آیات و روایات در صدد اثبات خاتمیت است.